

۵ افسانه درباره پروژه‌های بهبود کیفیت

افسانه ۱: پروژه‌ها برای کسانی خوب است که کار کاغذبازی و سیستم‌سازی را دوست دارند

حقیقت این است که پروژه‌ها هر چند یک چارچوب ساختارمند و مستند دارند اما لزوماً به معنای بوروکراسی و پیچیدگی نیست

افسانه ۲: پروژه خطی است. شما یک سری اهداف انتخاب می‌کنید و سپس کارها را اجرا می‌کنید

حقیقت این است که مسیر پروژه می‌تواند تغییر کند و در جاهایی نیاز به توقف و بازبینی وجود داشته باشد.

افسانه ۳: پروژه‌ها در سطح بالای بیمارستان تدوین می‌شوند جایی که اهداف تعیین می‌شود

حقیقت این است که در بسیاری موارد پروژه‌ها توسط تیم‌های کاری تدوین می‌شود اما آنچه به عنوان پروژه‌ها در نظر گرفته می‌شوند باید مورد حمایت سطوح ارشد و مدیریت بیمارستان قرار بگیرد

افسانه ۴: همه پروژه‌ها در حوزه فناوری، مالی و حسابداری هستند

حقیقت این است که بسیاری از کارکنان بالینی هم پروژه‌های بهبود اجرا می‌کنند. در واقع صاحبان مشاغل بالینی می‌توانند مدیران پروژه خوبی باشند چرا که روزانه به مدیریت بیماران مشغول هستند. بسیاری از پروژه‌ها روی افراد و فرآیندها متمرکز هستند نه فناوری و حوزه‌های مالی

افسانه ۵: برای اینکه مدیر پروژه باشید باید زبان مدیریت پروژه را به خوبی بدانید

در علم مدیریت پروژه بسیاری از کلمات وجود دارد که ممکن است باعث سردرگمی و پریشانی شوند. در صورتی که مدیریت کردن یک پروژه به معنای دانستن کلمات و اصطلاحات تخصصی نیست. بلکه داشتن اطلاعات عمومی در این باره کفایت می‌کند

منبع: کتاب مهارت‌های بهبود کیفیت خدمات سلامت